

کلام

این ورزشی بایدبین‌المللی شود

«یکی از توصیه‌هایی که من چند سال قبل به مسئولان ورزش کشور کردم، این بود که این ورزش باستانی را سعی کنند بین‌المللی کنند. این ورزش بسیار ورزش زیبایی است. این گود ما، این سردم و ضرب ما، این حرکات ورزشی بسیار زیبا، آن‌شنا، آن میل‌گیری، آن میل‌بازی، کارهایی که می‌کنند، اینها همه‌اش چیزهای تماشایی برای هر علاقه‌مند به ورزش است. امروز ورزشی که اینجا این بچه‌ها کردند، از ورزش زورخانه‌ای که ما در دوره جوانی دیدیم، اصفاً بهتر بود. هم چرخشان بهتر بود، هم میلشان بهتر بود، هم نشانشان بهتر بود، هم کار پایشان بهتر بود، همه چیزش بهتر بود.»

کزارش

حامد قهرمانی

اول آذر ماه‌وقتی آن نونهال باستانی‌کار

مقابل رهبر انقلاب اسلامی وارد گود شد، شعر خواند و بعد میل گرفت و بقیه نوجوانان و جوانان داخل گود کاری کردند که حضرت آقا به وجد آمدند و یک نقطه عطف در ورزش زورخانه‌ای ایران شکل گرفت. سخنان رهبر انقلاب در خصوص ورزش باستانی نشان از عمق توجه و شناخت ایشان از این ورزش داشت. سخنانی که توقع می‌رود با به‌کار بستن آنها؛ سوی مسئولان ورزش کشور و فدراسیون ورزش زورخانه‌ای این رشته اصیل ایرانی از غربتی که اسیر آن شده‌است خارج شود تا شاید آن ایام فراموش نشدنی باز هم تکرار شود.

دلسوزی پیدانمی‌شود

نگاه ما به ورزش زورخانه‌ای صرفاً ورزشی نیست. فرهنگ پهلوانی و جوانمردی حاکم بر این ورزش باعث ماندگاری و محبوبیت آن بین مردم ایران زمین از زمان کهن تا کنون شده‌است با این وجود طی چند دهه گذشته زورخانه‌ها یکی بعد از دیگری از سطح شهرها حذف شدند. مخرج بالای حفظ و نگهداری زورخانه، حمایت نکردن سازمان تربیت بدنی گذشته و وزارت ورزش، تغییر سبک زندگی مردم و ظهور ورزش‌های جدید و درآمدزا را می‌توان از علل اصلی این فاجعه عنوان کرد؛ فاجعه‌ای که حتی برای کم شدن تبعات و جبران خسارت‌های آن هم هیچ اقدامی نشد تا ورزش زورخانه‌ای از یاد بخش عظیمی از مردم برود. جالب‌است که حتی تشکیل فدراسیون جهانی این رشته در ایران با مدیریت خود ایرانی‌ها هم به جای حل مشکل تبدیل به معضل شد تا همه در بهت و حیرت شاهد کشمکش‌های مسئولان این فدراسیون با رؤسای فدراسیون ایران باشیم؛ موضوعی که در نهایت به انزوی بیشتر ورزش زورخانه‌ای انجامید.

مهر علی باران چشمه، رئیس فدراسیون ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی چند ماه قبل در نشست خبری واقعیت تلخی را عنوان کرد و گفت: «هیچ نهادی به ترویج فرهنگ پهلوانی کمک نمی‌کند» و ادامه داد: «ستاد ترویج فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای از سال ۸۸ تشکیل شده، اما واقعیت این است که در این ۱۴ سال هیچ اتفاقی رخ نداده است. زورخانه‌ها بیشتر شخصی هستند و ما نمی‌توانیم برای آنها برنامه‌ریزی کنیم. شهرداری و نهادها نیز کمکی نمی‌کنند، حتی در هزینه‌هایی مثل آب، برق و گاز، کار سخت است، ولی ما تلاش خودمان را می‌کنیم. وزارت ورزش نیز باید فعال تر شود. سال قبل از ۲۰ زورخانه استان بازدید کردیم. عمر زیادی از این زورخانه‌ها می‌گذرد و باید تدبیری اتخاذ شود که این زورخانه‌ها حفظ شوند. بر همین اساس ملاقات‌هایی با همه جمعه استان‌ها داشتیم تا بتوانیم ورزش زورخانه‌ای را ترویج کنیم. در این ملاقات‌ها با مشکلات ۲۰ زورخانه‌ا در کشور افتتاح کردیم.»

حقی که داده نمی‌شود

با تمام این حرف‌ها اما حال و روز ورزش زورخانه‌ای اصلاً خوب نیست. هر چند برخی کارهای جزئی انجام شده‌است اما آنطور نیست که بتواند زورخانه‌ها را به حال و روز گذشته و اقبال را به ورزش زورخانه‌ای

برگرداند. پخش چند برنامه جسته ریخته در تلویزیون هم هر چند باعث توجه مردم شد اما مانند تب تندى که زود عرق می‌کند همه چیز خیلی زود فراموش شد.

امروز شنیده می‌شود که در پی مذاکره و توافق به‌عمل آمده میان کومرت هاشمی و علی‌اکبر محرابیان، وزرای ورزش و جوانان و نیرو به منظور حمایت از رشته پهلوانی – آیینی زورخانه‌ای، زورخانه‌های سراسر کشور از پرداخت هزینه آب و برق معاف شدند اما مشکل فقط به اینجا ختم نمی‌شود. همین حالا ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای با مشکلی به نام «حق سفره» روبه‌روست. مردم این ديار از دیرباز ناگهی متفاوت به پهلوانان محلات و شهرها داشته‌اند و آنها را امین جان، مال و ناموس خود می‌دانستند. در روزگار مدرن امروز هر چند دیگر صدای ضرب و زنگ زورخانه‌ها به سختی شنیده می‌شود، اما اینها دلیل نمی‌شود که مردم نسبت به پهلوانان خود بی‌اعتنا باشند. هنوز که هنوز است مردم کوچک و بازار وقتی یک قهرمان و پهلوان کشتی را می‌بینند توقع مهر و



گروه ورزشی

پرونده

بررسی ورزش زورخانه‌ای

کلام

فریدون حسن

یادش بخیر

برای نسلی که دنیایش گوشسی همراه و تلبت و لپ تاپ و فضای مجازی شده است حتماً قابل درک نیست اگر بگویم روزگاری نه چندان دور مردم با صدای ضرب ششیر خدا که از رادیو پخش می‌شد از خواب بیدار می‌شدند. آنها که سحرخیز تر بودند با نوای گرم او میل می‌گرفتند و شنای رفتند و… خلاصه عالمی بود برای خودش، عالمی تکرار نشدنی، عالمی که نسل امروز هرگز نمی‌تواند لذت آن را درک کند، لذت ورزش زورخانه‌ای صبحگاه و صبحانه دور هم خوانده.

نسل امروز حتماً درکی از زورخانه ندارد. جایی که عصرها و شامگاه‌ها محلی بود برای جمع شدن عده‌ای مرد که با میل و کباده و سنگ قدرت‌نمایی می‌کردند و با چرخ زدن هنر‌نمایی و بعد می‌نشستند تا گروه‌ای از کار خلق خدا باز کنند. تا گلر یزائی بگیرند برای باز کردن گره آنکه به چه کنم چه کنم افتاده یا آنکه به جبر روزگار پشت میله‌ها رفته. اینگونه بود که زورخانه و مرشد برای خودشان حرمتی داشتند و جایی قابل احترام با آدم‌هایی محترم و قابل انکای یک محل.

نسل امروز قطعاً در کی از این همه زیبایی ندارد، چون دیگر زورخانه‌ای وجود ندارد. اگر هم با ضرب و زور و تلاش‌های برخی آدم‌های دلسوز چیزی باقی مانده باشد نگاه به آن صرفاً نگاهی سرگرم ما بانه است، نه نگاه به یک فرهنگ اصیل و راه و رسم زندگی و جوانمردی. به همین راحتی همه چیز به فراموشی سپرده شد، همه چیز فدای ماشین و تکنولوژی شد تا امروز حسرت آن روزگاران را بخوریم.



وقتی صدای ضرب و زنگ، خاطره می‌شود

روزی روزگاری زورخانه

عظوفت دارند که بتوانند به او تکیه کنند.

با تمام این حرف‌ها در و انفسای اقتصادی این سال‌ها، حتی پهلوانان هم برای یاری رساندن به مردم نمی‌توانند به تنهایی قدم پیش بگذارند و باید از سوی مراجع بالاتر و وزارت ورزش و فدراسیون‌های مربوطه حمایت شوند. اینجاست که موضوعی به نام «حق سفره» به میان می‌آید حتی که از سال‌های کهن وجود داشته و امروز بیشتر از قبل لزوم آن احساس می‌شود، اما گویا این حق که برابر قانون باید به پهلوانی که بیش از سه بار موفق به دریافت بازوبند پهلوانی کشور می‌شوند، اهدا شود هم در روزها با برخی کج‌سلیقگی‌ها نادیده گرفته می‌شود.

جالب‌است که حق این ورزش داده نمی‌شود اما در عوض منت مجانی شدن آب و برقش با سر و صدای زیاد رسانهای می‌شود.

غفلت ما و تحریف آیین زورخانه

در چنین اوضاع و احوالی که دست اندرکاران ورزش کشور بر خلاف فرمایشات مقام معظم رهبری اهمیت چندانی به حفظ و ترویج ورزش

زورخانه‌ای نمی‌دهند همسایه شمالی ایران که طی سال‌های قبل بسیاری از آداب و سنن ایران را به نام خود ثبت کرده در تلاش است ورزش زورخانه‌ای را هم به نام خود کند. تلاش‌های آذربایجان در خواب غفلت مسئولان ورزش زورخانه‌ای (چه فدراسیون جهانی و چه فدراسیون ایران) تا حدودی هم نتیجه داده است هر چند باران چشمه رئیس فدراسیون آن را رد می‌کند و می‌گوید: «آیین ورزش زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی در سال ۱۳۸۹ به نام ایران در یونسکو به ثبت رسیده است. آذربایجان پیشنهاد داده بود که فرهنگ پهلوانی به نامش ثبت شود. در یونسکو که وزارت میراث فرهنگی عضو آن است، مدیر کل مربوطه در جلسه شرکت کرده بود. با وجود آنکه ذکر این موضوع را به وزارت میراث فرهنگی داده بودیم، اما یونسکو در نهایت تأیید کرد که فرهنگ پهلوانی به نام آذربایجان باشد.»

البته درد تنها ثبت ورزش زورخانه‌ای به نام آذربایجان نیست بلکه نکته آسفابار این است که ورزش پهلوانی و جوانمردی ایران که بر مبنای

نگاه کارشناسان در گفت‌وگو با «جوان» | دنیا حیدری

جای ورزش زورخانه‌ای و مرشدی در دانشگاه‌ها خالی است

آشنا باشند؟

بیش از ۳۰ سال حضور در این رشته باعث شده تا با مشکلات گوناگونی مواجه باشم. از خوبی آشنایی داشته باشم. هر چند هنوز تبلیغات و زیرساخت‌های زیادی برای آشنایی مردم با این رشته و استقبال عموم لازم است اما گاهی نیز اندکی زور می‌خواهد برای پشت سر گذاشتن یک سریالایی و قرار گرفتن در سرازیری که دیدار با رهبری و تشویق ایشان می‌تواند همان اهرم برای قرار گرفتن در ورزش زورخانه‌ای در سرازیری توجه باشد. زورخانه مثل مسجد دوم است اما تعداد زورخانه‌های ما کمتر از هزار عدد است. درحالی که شهرهای ما بیش از هزار است.



علی‌اکبر خاکدوست

مریی ورزش زورخانه‌ای



پهلوانی هنوز حرف اول را در ورزش زورخانه‌ای می‌زند

در خلال مسابقات صراحتاً می‌توانید ببینید که ورزشکاران حتی رقبای خود را نیز تشویق می‌کنند تا آنها بهترین خود را ارائه دهد و بعد قهرمانی نتوانسته است جنبه‌های پهلوانی این رشته را تحت تأثیر قرار دهد و ورزشکاران تمام تلاش‌شان این است که در بحث مرام و معرفت از یکدیگر جلوتر باشند نه رسیدن به عنوان و قهرمانی. مرامی که بی‌ارتباط با آداب و رسوم ورود به زورخانه و انجام ورزش باستانی نیست. شما وقتی وارد زورخانه می‌شوید سر خود را خم می‌کنید که خود نشانه خضوع و فروتنی است. از سوی دیگر وارد گود که می‌شوید زمین را می‌بوسید که هرگز فراموش نکنید باید خاک گود را خورده و مغرور نشوید. در واقع اصل ورزش زورخانه‌ای آموختن مرام، معرفت و اصول پهلوانی است که تا امروز به خوبی و انطور که باید رعایت شده است، اما باید شرایطی فراهم شود که مردم هر چه بیشتر با این ورزش آشنا و برای حضور در آن تشویق شوند. البته که در این راستا مدتی است فدراسیون در حال دادن مجوز تشکیل آکادمی به استان‌هاست و هیئت‌های استان‌های مختلف می‌توانند در این زمینه درخواست دهند و طبق استانداردهایی که فدراسیون در نظر دارد، می‌توانند با ایجاد آکادمی‌ها در مسابقات وارد شوند و در بحث قهرمانی فعالیت کنند. در این صورت تمام وسایل و ابزارهای ورزشی از جمله سنگ تخته شنا، میل، کباده و… از سوی آکادمی‌ها در اختیار ورزشکاران قرار می‌گیرد اما مسئله این است که با وجود تمام تلاش‌هایی که برای احداث زورخانه در نقاط مختلف کشور شده‌است، هنوز هم بسیاری از شهرها زورخانه ندارند یا اگر دارند تعداد آنها کم است. درست همانطور که تبلیغات جهت علاقه‌مندی جوانان به این رشته باستانی کم است.

در میان تمام این مسائل اما آنچه خیلی به چشم نمی‌آید، مشکلات خدمت سربازی ورزشکاران این رشته است. در سایر رشته‌ها، ورزشکاران می‌توانند با کسب عنوان قهرمانی در رقابت‌هایی چون المپیک معافیت سربازی بگیرند اما در این رشته اگر چه صحبت‌هایی برای پیگیری شده است اما هنوز امکان‌پذیر نیست. اینجاست که این اصلی‌ترین دغدغه ورزشکاران زورخانه‌ای است و به ویژه دانشجویان. فکر می‌کنم ورزش باستانی ایران ارزش آن را دارد که اندکی مورد توجه بیشتر قرار گیرد. ورزش زورخانه‌ای تنها برای ایران است به طوری که اگر چه چیزی حدود ۸۶-۸۵ کشور به آن می‌پردازند اما هنوز هم مسابقات آسیایی و جهانی که می‌شود از ایران مریی و داوور برای آموزش ورزشکاران به کشورهای دیگر اعزام می‌شود و فکر می‌کنم همین مسئله دلیل خوبی باشد برای آنکه اندکی بیشتر به این رشته توجه شود؛ ورزشی که ضمن تضمین سلامت، می‌تواند الگوی خوبی برای جوانان جامعه باشد.